

## بخش دوم - از «موج نو»...

### فصل هفتم - شعر حجم

شش ماه پس از انتشار کتاب «صور و اسباب»، شاعران «موج نوی مشکل گو»، که در آن زمان با نام گروه «شعر دیگر» شناخته می شدند، بنا به دعوت یدالله رویائی، تصمیم گرفتند تا «مانیفست» یا «بیانیه» مورد نظر او را تدوین کنند. بدین سان، در سال ۱۳۴۸، با انتشار «صور و اسباب» از یکسو، و تدوین بیانیه شاعران موج نوی مشکل گو (که «بیانیه شعر حجم» خوانده شده) از سوی دیگر، جدائی ی این دو گروه قطعیت و رسمیت یافت.

بر حسب آنچه که در کتاب «هلاک عقل به وقت اندیشیدن» آمده،<sup>۱</sup> در طی سه ماه، از پائیز تا زمستان ۱۳۴۸، یدالله رویائی، پرویز اسلامپور، هنرور شجاعی، بهرام اردبیلی، فیروز ناجی، محمد رضا اصلاتی، همراه با هنرمندانی از رشته های دیگر، به بحث درباره نوشتن مانیفست مورد نظر رویائی نشستند و بالاخره متنی به عنوان «بیانیه شعر

۱۰۸..... تئوری ی شعر - از «موج نو» تا «شعر عشق»

حجم» به امضاء چند تنی از آنان رسید. کتاب «هلاک...» این متن را از نشریه «بررسی ی کتاب» شهریور ۱۳۵۰ نقل می کند، اما شاید بیانیه قبل از این تاریخ هم به چاپ رسیده باشد. به هر حال بیانیه، در همه چاپ های بعدی هم تاریخ زمستان ۱۳۴۸ را در زیر خود دارد.

در مورد اینکه چرا و چگونه نام بخشی از موج نوئی ها، که به تشویق رویائی به گروه «شعر دیگر» پیوستند، به گروه «شعر حجم» تغییر یافته، و اساساً اینکه بر اساس چه احتجاجی به نام «حجم» رسیده اند، در هیچ کجا توضیحی بیش از آنچه در بیانیه وجود دارد داده نشده است. اما نکته جالب اینکه، جز همین نام، بقیه این بیانیه چیزی نیست جز تکرار دیگرگونه حرف هائی که اغلب آنها قبلاً در گفتگوهای شاعران موج نو با رویائی مطرح شده و به وسیله او تأیید گردیده بود. یعنی، همچنانکه دیدیم، کتاب «صور و اسباب» حداقل ۶ ماه قبل از تشکیل جلسات تهیه مانیفست شعر حجم، یعنی در سرآغاز سال ۱۳۴۸، همه آن حرف ها را به تفصیل مرتب کرده و بیان داشته بود، و در نتیجه، مانیفست شعر حجم صرفاً شرح دخل و تصرف هائی است که در «دستگاه نظری» ی موج نو به عمل آمده است. مثلاً:

۱. مانیفست مزبور چنین می گوید: «حجم گرائی آنهائی را گروه می کند که در ماوراء واقعیت ها، به جستجوی دریافت های مطلق و فوری و بی تسکین اند.»

ذکر اینکه شعر حجم به ماوراء واقعیت (سوررئال) توجه دارد آشکارا بازگوئی ی همان حرف هاست که سال ها بوسیله موج نوئی ها زده شده و در کتاب «صور و اسباب» تکرار گردیده بود. اما آنچه تازه و اضافی به نظر می رسد «جستجوی دریافت های مطلق و فوری و بی تسکین»

شعر حجم ..... ۱۰۹

است. به راستی منظور نویسنده یا نویسندگان بیانیه در این مورد چیست؟ مانیفست شعر حجم در توضیح این مطلب می گوید: «...مطلق است برای آنکه از حکمت وجودی ی واقعیت و از علت غائی آن برخاسته است». معنای چنین سخنی نخست آن است که شاعران مزبور در مانیفست خود دارای يك «نگرش فلسفی» ی خاص هستند، و دو دیگر اینکه این فلسفه برای «واقعیت» به وجود يك «علت غائی» قائل است و می پندارد که «واقعیت»، حکمت وجودی خود را از آن علت غائی اخذ می کند. بیانیه می گوید که شاعر حجم، به جستجوی دریافتی «مطلق» از این «علت غائی» است که در «ماوراء واقعیت» قرار دارد.

این سخنان به روشنی نقیض اولین نکته ای است که قبلاً شاعران موج نو در مورد آن اتفاق نظر داشتند: نفی ماوراء الطبیعه به عنوان يك واقعیت ممکن، چه رسد به «حکمت وجودی ی واقعیت» و «علت غائی آن». شعر حجم، در همین نخستین قدم، با جستجوی حکمت وجودی و علت غائی ی واقعیت در ماوراء آن، خود را در بحثی فلسفی - عرفانی درگیر می کند و به سرعت راه را برای بازگشت اندیشه های صوفیانه و خانقاهی باز می نماید. بی دلیل نیست که از همان آغاز، و تا به امروز، شعر حجم گرایشگاه بسیاری از شاعران درویش مسلک بوده است.

۲. بیانیه شعر حجم می گوید: «شعر حجم از دروغ ایدئولوژی و از حجره تعهد می گریزد، و اگر مسئول است مسئول کار خویش و درون خویش است، که انقلابی و بیدار است».

زیربنای این فکر نیز همان احتجاجات موج نوئی است، که ارزیابی ی ارزش های اخلاقی و سیاسی ی شعر را هم ردیف ارزیابی ی ارزش های هنری آن نمی دانستند. اما، در عین حال، «موج نو» امکان الهام گرفتن

شاعر از ایدئولوژی ها و متعهد بودن او را به آرمان های سیاسی و اخلاقی نفی نمی کرد. موج نو معتقد بود که آنچه به نام شعر عرضه می شود باید قبل از هر چیز شعر باشد؛ اما آنگاه که اثر مورد نظر از این «کنکور» مشکل گذشت، از آنجا که مخلوق ذهن انسان اجتماعی است، و از آنجا که در پی ی ایجاد رابطه با دیگران است، می تواند نمایشگر اندیشه ای ایدئولوژیک بوده و متعهد به يك سیستم اخلاقی باشد یا نباشد. بهر حال این نمایشگری و تعهد نه از ارزش های هنری و زیباشناختی ی آن می گاهد و نه به آنها می افزاید.

بیانیه شعر حجم اما ایدئولوژی و تعهد را به عنوان يك «ضد ارزش» مطرح می کند، بی آنکه توجه داشته باشد که ضدارزش خود ارزش دیگری است و پرداختن به آن، مساوی است با عدول از اصل اساسی ی بیرونی بودن قضاوت های اخلاقی و سیاسی نسبت به زیباشناسی ی هنری. شعر حجم، آن هم در زمانه ای که مردم کشور ما در سخت ترین شرایط ناشی از خفقان و سرکوب سیاسی به سر می بردند و جنگ چریکی - به عنوان تنها راه حل بازستانی ی آزادی ها - مطرح بود، به ایدئولوژی زدائی و تعهد گریزی در شعر می پردازد؛ و به روی خود هم نمی آورد که این نفرت از «ایدئولوژی» (که دروغ خوانده می شود) و «تعهد» (که حجره نام می گیرد) خود نوعی عمل روشن ایدئولوژیک برای کند کردن تیغه شعری است که می خواهد، در کنار فریاد و گلوله، کمک رسان مبارزات مردمی باشد.

بدین سان «پرنسیپ ها» ی شعر حجم به همان پنج تائی هم که روایاتی در مورد شعر موج نو می خواست<sup>۲</sup> نمی رسد، هرچند که این کمبود در سال ۱۳۵۰ و در مقاله «در حاشیه بیانیه ی شعر حجم» به وسیله خود روایاتی،

که دیگر سخن يك رهبر رسمی را به خود گرفته بود، جبران می شود.

محمد حقوقی در مورد چند و چون این جریان چنین اظهار نظر کرده است: «... (جریان شعر سپید هم) بود تا ظهور شعری با نام موج نو که اسماعیل نوری عیلاش نام گذاشت و احمد رضا احمدی مهمترین شاعر ناشر آن بود. اما دیری نگذشت که ابتدا شعر انتزاعی ی دشوار بیژن الهی و بعد شعر تر و جوهرمند هوشنگ چالنگی، به دنبال شعر احمد رضا احمدی، که بیش از پیش روی به سادگی ی زبان داشت، خودنمایی کرد و در طلیعه دهه ۵۰، به کوشش یدالله رویائی، نام جدید شعر حجم را بر خود گذارد. و طی جلسات متعدد به تنظیم بیانیه ای ویژه توفیق یافت و سرانجام، از میان بیست سی چهاره نامدار و بی نام در هنرهای مختلف، به امضاء پنج شش شاعر موشح شد. و این همه را در جزوه ها و مجلات و نشریات تهرانی و شهرستانی ی آن ایام می توان دید - نوع شعری که همراه با جریان اصلی ی شعر امروز،<sup>۲</sup> با توقف ها و تحرك های مستناوب و مکرر، نفس نفس زنان پیش می رفت، تا سال های آخر دهه ۵۰ که امواج انقلاب بدنه شعر امروز را لرزاند...»<sup>۴</sup>

#### ۷. شعر حجم

۱. این کتاب با نام از زبان نیما تا شعر حجم جلد شده است.
۲. رجوع کنید به صفحه ۸۸ کتاب حاضر.
۳. منظور محمد حقوقی از «جریان اصلی ی شعر امروز» همان شعر نیسانی است. می بینیم که برای اشخاصی همچون حقوقی، نه تنها شعر سپید پیش از دهه ۴۰، که حتی شعر موج نو و شعر حجم، و همچنین بقیه توسعات آینده شان، که در فصول بعد به آنها خواهیم پرداخت، همچنان در «حاشیه» قرار دارند!
۴. محمد حقوقی. «مقدمه». شعرنو، از آغاز تا امروز. چاپ جدید. نشر روایت. تهران ۱۳۷۱. صفحه «چهار».